

تنها

تنها ، تنها ، بیای کوه بلندی

تنها ، تنها بروی رگ بیابان

میرود آینه با دو پای برینه

کوه در آغوش ابرخسته پریشان

باد نم آلوده ناله مشکه از حور

هسته خاری به دروش کودک تنهاست

تست سرش سالهاں کوه بی یاد

رو بردش راه بیکرانه فرداست

x x x

آوردی ۱۹۸۵
مراه